

ملزومات راه‌اندازی کسب‌وکار در نواحی روستایی استان گلستان و تأثیر آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بر آن‌ها

غلامحسین عبدالله‌زاده*^۱ - پیمان کلاگر^۲ - محمدرضا محبوبی^۳ - احمد عابدی‌سروستانی^۴

۱- استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران

۲- کارشناس‌ارشد توسعه روستایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران

۳- دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران

۴- استادیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران

تاریخ تصویب: ۹۲/۱۱/۰۶

صص: ۱۱۶-۱۰۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۸/۲۹

چکیده

هدف: تحقیق حاضر با هدف شناسایی ملزومات راه‌اندازی کسب‌وکار در نواحی روستایی و چگونگی تأثیر آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بر فراهم‌سازی این ملزومات در استان گلستان به‌انجام رسیده است.

روش: روش تحقیق مبتنی بر پیمایش پرسشنامه‌ای بود. جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۴۸۲ نفر از کارآموزان روستایی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در استان گلستان بودند که طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۸۸ در این دوره‌ها شرکت کرده بودند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران به تعداد ۲۲۵ نفر مشخص شد و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای پرسشنامه‌های تحقیق در بین پاسخ‌گویان توزیع شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بر مواردی مانند «کسب آموزش‌های فنی و تخصصی در کسب‌وکار مربوطه» و «افزایش اعتمادبه‌نفس در کار» بیشترین تأثیر را دارند. در تحلیل عاملی تأثیر آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بر راه‌اندازی کسب‌وکار روستایی، به استخراج چهار عامل با عنوان‌های «کسب مهارت‌های فنی و عملی کسب‌وکار»، «ایجاد روحیه کارآفرینی»، «انگیزه‌سازی برای خوداشتغالی» و «مهارت‌های عمومی و اجتماعی کسب‌وکار» منجر شد که این عوامل ۶۹/۳۵۸٪ از واریانس کل اثرهای آموزش فنی‌وحرفه‌ای بر شروع کسب‌وکار را تبیین کردند. نتایج تحلیل رگرسیون لوجستیک نیز نشان داد «تحصیلات»، «تجربه کار قبلی»، «قصد خوداشتغالی»، «کسب مهارت‌های عملی کسب‌وکار» و «انگیزه خوداشتغالی» بر احتمال خوداشتغالی کارآموزان تأثیر مثبت دارند.

محدودیت‌ها/ راهبردها: سختی امکان دسترسی به کارآموزان که پیشنهاد می‌شود بایگانی جامعی از روند اشتغال کارآموزان تهیه شود.

راهکارهای عملی: نیازسنجی اولیه از مهارت‌های کارآموزان و همچنین، انگیزه‌های آن برای شرکت در برنامه‌های آموزش فنی‌وحرفه‌ای، برقراری پل ارتباطی با کارآموزان برای ترغیب آن‌ها به بازآموزی و درنهایت، ارائه مراحل قانونی و اداری برای راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل در برنامه‌های آموزشی سازمان.

اصالت و ارزش: اولویت‌بندی نیازها و ملزومات خوداشتغالی در نواحی روستایی و معرفی چگونگی اثربخشی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بر خوداشتغالی کارآموزان برای این سازمان.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی روستایی، آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، راه‌اندازی کسب‌وکار، ملزومات کسب‌وکار، استان گلستان.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

امروزه بر نقش کسب و کارهای کارآفرینانه در ارتقای فعالیت‌های اقتصادی جوامع، از طریق افزایش نرخ اشتغال و تولید کالاها و خدمات جدید توافق شده است (آدرتج، ثوریک، ورهول و ونکرز، ۲۰۰۲ و میترا، ۲۰۰۲). به علاوه، ارتقای هرچه بیشتر اقتصاد روستایی اساسی‌ترین عنصر در توسعه روستایی به شمار می‌رود؛ به طوری که استقرار و بقای جامعه روستایی بدون کار مولد و سودآور برای ساکنان غیرممکن است (خداوردیان و طیوری، ۱۳۸۸). در جوامع روستایی، کارآفرینی از چند جهت دارای اهمیت است: ایجاد شغل با هزینه سرمایه‌ای نسبتاً کم و توسعه یک سرمایه‌گذاری مشترک توسط کارکنان ماهر. همچنین، کسب و کارهای کوچک یک منبع نوآوری در محصولات و خدمات هستند؛ از طریق ایجاد کسب و کارهای کوچک، سرمایه‌گذاری‌ها و پس‌اندازهای محلی افزایش می‌یابند و استفاده از منابع محلی تشویق می‌شود (مهاپاترا، رزل، و گودهیو، ۲۰۰۷). در واقع، کارآفرینان روستایی در طی فرایند کارآفرینی خود و با راه‌اندازی و توسعه کسب و کاری جدید نقش مهمی در توسعه اقتصاد روستایی ایفا می‌کنند. کاهش بیکاری و افزایش نرخ اشتغال، افزایش درآمد و رفاه مردم محلی، افزایش تولیدات و خدمات و در نهایت، کاهش مهاجرت از جمله پیامدهای مثبت و مؤثر در ایجاد مشاغل جدید در نواحی روستایی است (استاتوپولو، پالتوپولوس و اسکوراس، ۲۰۰۴) با وجود این در نواحی روستایی ملزومات کارآفرینی و شروع کسب و کار جدید محدود است یا امکان فراهم‌سازی آن وجود ندارد (آنتوپولو، ۲۰۱۰). به علاوه نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد بسیاری از روستاییان مهارت و تخصص لازم را ندارند (پترسون و هندرسون، ۲۰۰۳)؛ به طوری که در صورت دسترسی به سایر امکانات خوداشتغالی (سرمایه و منابع تولید) فاقد مهارت‌های لازم برای شروع کسب و کار جدیدی هستند؛ زیرا، در اغلب موارد آموزش‌های آن‌ها ارتباط زیادی با نیازهای مهارتی بازار کار ندارد. افزون‌براین، بر نقش ویژه آموزش کارآفرینانه به عنوان عنصری کلیدی در افزایش نگرش و توانمندی کارآفرینانه افراد تأکید شده است (پاتر، ۲۰۰۸) و همواره بر نقش نیروی انسانی آموزش‌دیده و با

مهارت به عنوان پیش شرط مهمی در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی تأکید شده است. علاوه بر آن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای قدرت انعطاف‌پذیری کل جامعه را در برخورد با چالش‌های گوناگون افزایش می‌دهند (ون لیشات، ۲۰۰۸).

بنابراین، آموزش‌های کارآفرینانه به عنوان ضرورتی برای افزایش عرضه کارآفرینانه بالقوه (افزایش آگاهی افراد و علاقه آن‌ها به زمینه‌های شغلی خود) و کارآفرینان در حال ظهور (ایجاد انگیزه در افراد برای شروع کسب و کار جدید) شناخته می‌شوند (لینان و رودریگوئز-کوهار و روئدا-کانتوج، ۲۰۱۱). در این میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان یکی از انواع آموزش‌های کارآفرینانه در کشور که مبتنی بر تخصص و با تکیه بر آموزش‌های عملی و تمرین و ممارست پیگیر هستند، می‌توانند علاج کار و گره‌گشای توسعه کارآفرینی روستایی باشند. این آموزش‌ها که سعی در ارائه مهارت خاص به کارآموزان دارند، در محیطی مشابه فضای واقعی فعالیت کسب و کار انجام می‌شوند و فراگیران را برای ورود به بازار کار براساس نیاز به مهارت و تخصص مربوطه آماده می‌سازند. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای علاوه بر بهبود جنبه‌های مهارتی نیروی کار، بر سایر ملزومات کارآفرینی و خوداشتغالی به ویژه جنبه‌های روان‌شناختی کارآفرینی (نگرش‌ها و روحیه‌های کارآفرینانه) و جنبه‌های عمومی و اجتماعی کسب و کار (مهارت‌های تعامل، مدیریت، انصاف و عدالت در کسب و کار) نیز تأثیر دارند. در مطالعات مختلف نیز تأثیر آن‌ها بر ارتقای توانمندی‌های افراد و تشویق کارآفرینی (امامی و سادات-سعیدی، ۱۳۸۴؛ سلیمی‌فر و مرتضوی، ۱۳۸۴)، عملکرد شغلی (خواجه‌شاهکوهی، قدیری‌معصوم، مقصدلو، و وطنی، ۱۳۸۷)، بهره‌مندی بهتر از نیروی انسانی روستایی و بهره‌دهی بیشتر این نیروها (پاپزن، خالدی، و سلیمانی، ۱۳۹۰؛ محبوبی و آبیاری، ۱۳۸۸) تأکید شده است. مهارت‌آموزی و توانمندسازی نیروی انسانی محوری‌ترین مؤلفه برای اشتغال جوانان است و هدف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ایجاد اشتغال است. با توجه به این موارد و نیز با توجه به اهمیت کارآفرینی در توسعه اقتصادی کشور و اینکه کسب و کارهای روستایی نقشی اساسی در چنین روندی دارند، از این رو در تحقیق حاضر در پی پاسخ-گویی به سؤال‌های زیر هستیم:

کسب‌وکار، آموزش‌های عمومی، تجربه کاری، حمایت اعضای خانواده و دوستان، کمک‌های دولتی، برخورداری از دانش فنی و کمک سایر کارآفرینان، به‌عنوان ملزومات شروع کسب‌وکار مستقلی معرفی شده‌اند (گاسلین و گرایسد^۸، ۱۹۹۰).

عامل مهمی که در ادبیات کارآفرینی با هدف لازمه شروع یک فعالیت کارآفرینه در نظر گرفته شده است، برخورداری از آموزش و مهارت تخصصی است که در این تحقیق، تأثیر برخورداری از آموزش‌های مهارتی همراه با سایر متغیرهای اجتماعی اقتصادی بر راهاندازی کسب‌وکار مستقل مورد توجه است. بدیهی است که فردی با سطح بالاتر آموزش و مهارت تمایل بیشتری به توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه خود دارد (چندلر و هانکس^۹، ۱۹۹۴). آموزش از طریق مهیاسازی مهارت‌ها و دانش عمومی و تخصصی برای ارزیابی بازار عرضه و تقاضای کالاها، منابع و نیروی کار دسترسی به دنیای کسب‌وکار را تسهیل می‌کند (بریاس، ۱۹۸۶). به‌علاوه، کسب مهارت می‌تواند عامل تضمین‌کننده امنیت شغلی برای کارگران محسوب گردد (کالورید و ایساکسن، ۲۰۰۶). با توجه به اینکه در ایران نیز بخش اصلی آموزش مهارت‌های کارآفرینانه در قالب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارائه می‌شود و این آموزش‌ها توفیق قابل توجهی در پرورش نیروی کار ماهر و تربیت نیروی انسانی کارآفرین داشته‌اند (سلیمی فر و مرتضوی، ۱۳۸۴)، در ادامه و براساس تحقیقات پیشین به تأثیر این آموزش‌ها در فراهم‌سازی ملزومات کسب‌وکار اشاره می‌شود.

ارفعی و فرجاله‌حسینی (۱۳۷۸) در بررسی نقش آموزش فنی و حرفه‌ای بر روی وضعیت اشتغال روستاییان، به این نتیجه رسیدند که بین دفعات شرکت کارآموزان در دوره‌های آموزشی و سودمندی دوره برای کسب‌وکار رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به‌علاوه، برنامه‌های آموزشی با نیازهای شغلی مناسبت داشته‌اند و به‌همین دلیل موجبات استمرار و تثبیت مشاغل روستایی را فراهم کرده‌اند. پولادی ریشهری و سلیمانی (۱۳۹۰) نتیجه گرفتند که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بهبود روحیه ابتکار و نوآوری، اعتماد به نفس، استقلال طلبی، پشتکار و روحیه دوراندیشی بیشترین تأثیر را داشته‌اند؛ حال آنکه در خطرپذیری، توان واکنش‌دهی به موقعیت‌ها و خوش‌بینی تأثیر کمتری داشته‌اند. میرمحمدرضایی و همایونی (۱۳۹۰) در

۱. عوامل و ملزومات خوداشتغالی و شروع کسب‌وکار جدید در روستاها چه هستند؟

۲. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای چه تأثیری بر این عوامل برای راهاندازی کسب‌وکار دارند؟

لازم است ذکر شود استان گلستان با دارا بودن ۲۰ مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای به‌عنوان ناحیه مورد مطالعه انتخاب شده است.

۳.۱. پیشینه نظری تحقیق

تحقیقات مختلفی در خصوص کارآفرینی روستایی و عوامل مؤثر بر آن و نیز شرایط مورد نیاز کارآفرینان برای راهاندازی کسب‌وکار مستقل انجام شده است. در بیشتر این تحقیقات نیز تأکید شده است که فرآیند راهاندازی شغل و کارآفرین شدن حاصل تأثیر مجموعه‌ای از عوامل است و ملزومات متعددی برای ایجاد کسب‌وکار مستقلی وجود دارد. در مطالعات مختلف، بر برخورداری از تخصص و مهارت (بریاس^{۱۰}، ۱۹۸۶)، تجربه پیشین شغلی (کروگر^{۱۱}، ۱۹۹۳) و کارآموزی و کسب مهارت (نابی و هلدن^{۱۲}، ۲۰۰۸) به‌عنوان تسهیل‌کننده شروع یک فرایند کارآفرینانه تأکید شده است. به‌علاوه، توانایی کارآفرینان در ارزیابی فرصت‌های جدید بازار، خلق محصولات/خدماتی که نیازهای مشتریان را برآورده می‌کنند، حفظ ارتباط مطلوب با سرمایه‌گذاران بالقوه و افراد کلیدی، ریسک‌پذیری و مدیریت هزینه‌ها از ملزومات خوداشتغالی مؤثر هستند (کالورید و ایساکسن^{۱۳}، ۲۰۰۶).

در حالی که مطالعات اولیه در حوزه کارآفرینی بر برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی به‌عنوان پیش‌نیاز شروع یک فعالیت کارآفرینانه تأکید کرده‌اند (مک‌کلاند^{۱۴}، ۱۹۶۱)، اما در پژوهش‌های بعدی بر ویژگی‌هایی جمعیت‌شناختی مانند سن، جنسیت، مذهب، سطح تحصیلات، مهارت، تجارب کاری و غیره تأکید شده است (رینولدز، استوری، و ویستید^{۱۵}، ۱۹۹۴؛ رابینسون، استیمپسون، هیوفنر، و هانت^{۱۶}، ۱۹۹۱). در برخی از مطالعات نیز بر تأثیر الگوی نقش اعضای خانوارها (به‌دلیل تأمین برخی ملزومات شروع کسب‌وکار) بر شروع فرایند کارآفرینی تأکید می‌کنند (اسچرر، بروزینسکی و وایبه^{۱۷}، ۱۹۹۱). در برخی از تحقیقات نیز مواردی از قبیل آموزش‌های

دوره‌های آموزشی شرکت می‌کنند و بیشتر این افراد زمانی که وارد دنیای کسب‌وکار می‌شوند، برای راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل تلاش می‌کنند. افزون‌براین، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای علاوه بر تأثیر بر جنبه‌های مهارتی، برخی از مؤلفه‌های شخصیتی و عمومی موردنیاز برای راه‌اندازی کسب‌وکار در کارآموزان را نیز تقویت می‌کنند. همچنین، ترکیب این مؤلفه‌ها با ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای کارآموزان در نهایت راه‌اندازی کسب‌وکار را شکل می‌دهد که در این تحقیق در پی شناسایی ملزوماتی برای راه‌اندازی کسب‌وکار هستیم که توسط آموزش‌های فنی و حرفه‌ای روستایی قابل‌دستیابی است؛ براین-اساس، چارچوب مفهومی به‌صورت زیر طراحی شده است:



شکل ۱- چارچوب نظری پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

طبق این چارچوب فرض بر این است که برای راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل، علاوه بر فراهم‌بودن ملزومات و مؤلفه‌های راه‌اندازی کسب‌وکار از قبیل برخورداری از مهارت، سرمایه و سایر امکانات تولید برخی از عوامل جمعیت‌شناختی و فردی مانند تجربه، تحصیلات و تجربه قبلی نیز لازم است.

۲. روش‌شناسی تحقیق

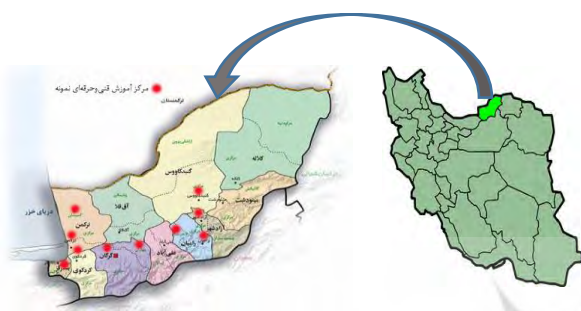
این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از حیث درجه نظارت و کنترل، میدانی و از نظر گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی است. در تحقیق حاضر، ابزار گردآوری داده‌ها و اندازه‌گیری متغیرها پرسشنامه بود که با توجه به

مقایسه دو گروه کارآموزان و غیرکارآموزان دوره کارآفرینی فنی و حرفه‌ای، به معنادر بودن و رابطه مستقیم برخوردار از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، خوداشتغالی اعضای خانوار (الگوی نقش) و سن با روحیه کارآفرینی اشاره کرده‌اند. همچنین، در مطالعات انجام‌شده در سایر کشورها، بر رابطه مستقیم راه‌اندازی کسب‌وکار با تحصیلات، تجربه کار قبلی، قصد خوداشتغالی و انگیزه خوداشتغالی تأکید شده است (کالورید و ایساکسن، ۲۰۰۶).

در سایر تحقیقات در زمینه تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر راه‌اندازی کسب‌وکار، اشاره شده است افرادی که این آموزش‌ها را فرا گرفته‌اند، علاوه بر اینکه قادر به راه‌اندازی کسب‌وکار برای خود شده‌اند، اطلاعات آن‌ها در زمینه چگونگی کارآفرینی، نوآوری و مهارت‌های کارگروهی نیز افزایش یافته است (فون گراونیتز و هارهاف، ۲۰۱۰). در این مطالعات اشاره شده است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با تغییر نگرش و انگیزه فراگیران نسبت به کارآفرینی و مشارکت در فعالیت‌های پرخطر، افزایش مسؤلیت‌پذیری فراگیران و موفقیت آنان در چالش‌های کسب‌وکار را در پی داشته‌اند. به‌علاوه، این آموزش‌ها منجر به افزایش شناخت افراد از ضعف‌ها، علائق و توانمندی‌های خود شده‌اند و شناسایی فرصت‌های شغلی جدید و ایجاد یک واحد کسب‌وکار مستقل برای فراگیران را تسهیل کرده‌اند. در برخی از مطالعات نیز اشاره شده است که کسب مدارک فنی و حرفه‌ای بدون توجه به جنبه‌های مهارتی آن به کارآموزان در گرفتن وام برای ایجاد اشتغال مستقل کمک کرده است (شریفی، علیزاده، یعقوبی‌ساردو، و بهروز، ۱۳۹۱). بدیهی است کسب مهارت نمی‌تواند تضمین‌کننده شروع کسب‌وکار مستقلی باشد؛ اما برخورداری از مهارت می‌تواند منجر به ایجاد روحیه و انگیزه کارآفرینی شود که از جمله اثرات غیرمستقیم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است (پولادی ریشهری و سلیمانی، ۱۳۹۰). به‌علاوه، آموزش فنی و حرفه‌ای اگر با شرایط محیطی و نیز علائق کارآموزان تناسب نداشته باشند، می‌تواند اثر معکوس داشته باشند و انگیزه‌های خوداشتغالی را کاهش دهند.

واقعیت این است که اغلب کارآموزان فنی و حرفه‌ای در نواحی روستایی با انگیزه خوداشتغالی و ایجاد کسب‌وکاری مستقل، در

عامل در فرایند تحلیل عاملی به عنوان متغیر مستقل در مدل رگرسیون لجستیک استفاده شد. در این تحقیق، متغیر وابسته مورد استفاده در رگرسیون لجستیک دو وجهی، «راه اندازی» یا «راه اندازی نکردن» کسب و کار مستقل بود که تأثیر متغیرهای مستقل؛ یعنی، عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی (از طریق محاسبه نمرات عاملی) و برخی از متغیرهای اجتماعی-اقتصادی بر آن ارزیابی شد.



شکل ۲- موقعیت جغرافیایی ناحیه مورد مطالعه و مراکز فنی و حرفه‌ای نمونه
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

۳. یافته‌های تحقیق

۳.۱. ویژگی‌های پاسخ‌گویان

۶۷٪ از افراد پاسخ‌گو مرد و ۵۴٪ از آن‌ها متأهل بودند. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۲۹/۴۲ سال بود و بیشتر افراد پاسخ‌گو (۴۹/۴٪) در گروه سنی ۳۰-۲۶ سال قرار داشتند و تعداد کمی از آن‌ها (۶/۱٪) در گروه سنی ۴۰-۳۶ سال بودند. ۳۶/۴٪ از افراد پاسخ‌گو دارای تحصیلات دیپلم بودند و ۲۲/۲٪ دارای تحصیلات دانشگاهی (۲۱/۳٪ کارشناسی و ۰/۹٪ کارشناسی ارشد و بالاتر) بودند. ۶۶٪ از افراد پاسخ‌گو (۱۵۰ نفر) موفق به راه‌اندازی کسب و کار مستقل شده بودند و ۳۳/۳٪ (۷۵ نفر) نیز هنوز موفق به ایجاد شغل مستقل نشده بودند. ۴۶/۲٪ از پاسخ‌گویان قبل از حضور در دوره‌های فنی و حرفه‌ای از تجربه کار قبلی برخوردار بوده‌اند. ۳۵/۱٪ از پاسخ‌گویان نیز قبل از حضور در دوره‌های فنی و حرفه‌ای، قصد راه‌اندازی کسب و کار مستقل را داشته‌اند و ۶۸/۹٪ از افراد مورد مطالعه بیان کردند کسی از اعضای خانواده آن‌ها سابقه خوداشتغالی ندارد.

۳.۲. ویژگی‌های کسب و کار

۴۰/۹٪ از افراد مورد مطالعه دارای کسب و کار در بخش

چارچوب نظری مطرح شده و اهداف تحقیق تدوین گردید. این پرسشنامه در قالب ۳ قسمت شامل: الف. متغیرهای اجتماعی و اقتصادی؛ ب. ویژگی‌های کسب و کار و مؤلفه‌ها و ج. ملزومات شروع کسب و کار (۲۷ گویه) تدوین شد. از پاسخ‌گویان خواسته شد علاوه بر اینکه نظر خود را در مورد اهمیت هر کدام از ملزومات شروع کسب و کار بیان کنند، میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر این ملزومات را نیز در قالب طیف ۵ سطحی لیکرت بیان کنند. گروهی از اعضای هیئت علمی دانشگاه و کارشناسان شاغل در فنی و حرفه‌ای استان گلستان روایی پرسشنامه را تأیید کردند و پایایی آن با انجام یک طرح مطالعه راهنما بر روی ۳۵ نمونه خارج از جامعه آماری و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۸۳ برای گویه‌های مربوط به «تأثیر آموزش فنی و حرفه‌ای بر راه‌اندازی کسب و کار» تأیید شد. در این پژوهش، جامعه آماری شامل کارآموزان فارغ‌التحصیل از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای واقع در نواحی روستایی استان گلستان در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۸ به تعداد ۱۴۸۲ نفر است که از طریق فرمول کوکران ۲۲۶ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند.

این تعداد پرسشنامه در بین کارآموزان فارغ‌التحصیل روستایی استان توزیع گردید. از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای برای انتخاب مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و روستاهای تحت پوشش آن استفاده شد که در این مرحله، ۱۰ مرکز از کل ۲۰ مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان گلستان، انتخاب شدند و سپس، در روستاها از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده برای انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه استفاده شد. پرسشنامه به صورت حضوری و از طریق ایمیل توزیع شد و پس از پایان مرحله گردآوری اطلاعات و با حذف پرسشنامه‌های ناقص و حاوی سؤال‌های بدون پاسخ، ۲۲۵ مورد برای تحلیل نهایی استفاده شدند. علاوه بر روش‌های معمول آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد) از ضریب تغییرات نیز برای اولویت‌بندی ملزومات راه‌اندازی کسب و کار استفاده شد. علاوه بر این‌ها، تحلیل عاملی اکتشافی به روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس نیز برای شناخت ابعاد و مؤلفه‌های مرتبط با تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر خوداشتغالی کارآموزان استفاده شده است. نمرات به دست آمده برای هر

آن پس‌انداز شخصی (۳۲٪) و کمک خانواده و دوستان (۱۴٪) قرار دارند.

جدول ۱. توصیف برخی از ویژگی‌های کسب‌وکار

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

درصد	فراوانی	متغیرها و ویژگی‌ها	درصد	فراوانی	متغیرها و ویژگی‌ها
		انگیزه حضور در دوره			وضعیت کسب‌وکار
۲۷/۶	۶۲	افزایش معلومات و مهارت‌ها	۳۳/۳	۵۰	شروع
۳۴/۷	۷۸	دریافت گواهی پایان دوره	۲۲	۳۳	تثبیت
۱۷/۳	۳۹	دریافت تسهیلات	۳۴/۷	۵۲	رشد
۱۲	۲۷	راه‌اندازی کار مستقل	۱۰	۱۵	افول
۴/۴	۱۰	بیمه بیکاری			عامل مؤثر راه‌اندازی کسب‌وکار
۴	۹	اوقات فراغت	۷/۳	۱۱	حمایت خانواده و دوستان
		منبع تأمین مالی کسب‌وکار	۲۹/۳	۴۴	خوش‌فرمایی و کار کردن برای خود
۳۲	۴۸	پس‌انداز شخصی	۲۰/۷	۳۱	داشتن مدرک فنی‌وحرفه‌ای
۱۴	۲۱	کمک خانواده و دوستان	۲۹/۳	۴۴	کسب تجربه و مهارت در فنی‌وحرفه‌ای
۵۴	۸۱	گرفتن وام	۹/۳	۱۴	ناراضی از شغل قبلی
			۴	۶	داشتن سرمایه و امکانات

۳.۳. تأثیر آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بر ملزومات راه‌اندازی کسب‌وکار

جدول (۲) اطلاعات مربوط به دیدگاه پاسخ‌گویان در خصوص تأثیر آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بر ملزومات و نیازهای راه‌اندازی کسب‌وکار در نواحی روستایی را نشان می‌دهد. از نظر پاسخ‌گویان، آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بر مواردی مانند «کسب آموزش‌های فنی و تخصصی در کسب‌وکار مربوطه»، «افزایش اعتمادبه‌نفس در کار» و «به‌دست‌آوردن تجارب کاری و عملی» بیشترین تأثیر را دارد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد این آموزش‌ها تأثیر اندکی در زمینه «آشنایی با روش‌های تأمین سرمایه و اعتبارات شروع کسب‌وکار»، «یادگیری مسائل بیمه و مالیات» و «توانایی کار با رایانه، فکس و اینترنت» داشته‌اند.

خدمات بودند و بقیه به‌ترتیب در زمینه‌های کشاورزی و دامداری، ساختمان، تجارت و بازرگانی، صنعت و تعاونی مشغول به کار بودند. ۵۳/۸٪ از افراد مورد مطالعه بیان داشته‌اند که تجربه کار قبلی برای راه‌اندازی شغل فعلی نداشته‌اند. بیشتر پاسخ‌گویانی که اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار کرده بودند، در دو شغل آرایش و پیرایش (۱۳ مورد) و پرورش قارچ (۱۲ مورد) مشغول به فعالیت بودند. همچنین، شغل‌های خیاطی، قالی-بافی، خدمات کامپیوتری، تعمیر خودرو، بنایی، زنبورداری، لوله‌کشی و نصابی وسایل بهداشتی، پرورش گل، تعمیر موتورسیکلت و پرورش ماهی نیز از جمله کسب‌وکارهای فعال در بین پاسخ‌گویان بود. بیشتر پاسخ‌گویان (۷۵/۳٪) بیان داشته‌اند که در کسب‌وکار خود کسی را استخدام نکرده‌اند. تنها ۲۴/۷٪ از افراد (۳۷ نفر) اقدام به استخدام و به‌کارگیری نیروی کار کرده‌اند که از این تعداد ۲۷ مورد یک نفر را به استخدام درآورده‌اند و ۱۰ مورد نیز دو نفر را در کسب‌وکار خود به‌کار گرفته بودند. ۳۵/۳٪ از افرادی که اقدام به راه‌اندازی کسب‌وکار کرده‌اند، میزان درآمد ماهانه‌شان را بین ۵۰۰-۳۰۱ هزار تومان اعلام کرده‌اند. تنها ۷/۳٪ از افراد از درآمد بالای ۷۰۰ هزار تومان برخوردار بوده‌اند.

با توجه به اطلاعات جدول (۱) مشاهده می‌شود که ۳۴/۷٪ از پاسخ‌گویان کسب‌وکار خود را در مرحله «رشد» ارزیابی می‌کنند و اعتقاد دارند شغل آن‌ها در حال پیشرفت و ترقی است. تنها ۱۰٪ از افراد پاسخ‌گو کسب‌وکار خود را در مرحله افول و روبه-ورشکستگی می‌دانند. براساس اطلاعات جدول (۱)، ۲۹/۳٪ از پاسخ‌گویان دو عامل «خوش‌فرمایی و کار کردن برای خود» و «کسب تجربه و مهارت در فنی‌وحرفه‌ای» را از مؤثرترین عوامل در راه‌اندازی کسب‌وکار خود نام برده‌اند. ۴٪ از پاسخ‌گویان نیز داشتن سرمایه و امکانات را عامل مؤثر در راه‌اندازی کسب‌وکار می‌دانند. بیشتر افراد پاسخ‌گو (۳۴/۷٪) انگیزه خود از حضور در دوره‌های فنی‌وحرفه‌ای را «دریافت گواهی پایان دوره» و ۲۷/۶٪ نیز انگیزه خود را «افزایش معلومات و مهارت‌ها» ذکر کرده‌اند. در نهایت، اطلاعات جدول (۱) نشان می‌دهد گرفتن وام با ۵۴٪ بیشترین نقش را در تأمین منابع مالی شروع کسب‌وکار پاسخ‌گویان در نواحی روستایی استان گلستان داشته است و پس از

جدول ۲. توصیف اثرهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر راهاندازی کسبوکار روستایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۳۲۹	۱/۰۶۵	۳/۲۳	کسب آموزش‌های فنی و تخصصی کسبوکار مربوطه
۲	۰/۳۳۱	۱/۰۲۸	۳/۱۰	افزایش اعتمادبه‌نفس در کار
۳	۰/۳۳۲	۱/۰۶۱	۳/۱۹	به‌دست‌آوردن تجرب کار و عملی
۴	۰/۳۵۱	۰/۹۸۳	۲/۸۰	کسب مهارت‌های مذاکره و تعامل با مشتریان
۵	۰/۳۶۲	۱/۰۵۹	۲/۹۲	افزایش نگرش مثبت به کار و تلاش
۶	۰/۳۶۴	۱/۰۵۰	۲/۸۸	کسب مهارت‌های اجتماعی و روابط با دیگران
۷	۰/۳۶۶	۱/۱۰۰	۳/۰۰	افزایش علاقه به موفقیت و پیشرفت در کسبوکار
۸	۰/۳۶۹	۱/۰۱۹	۲/۷۶	یادگیری صداقت، انصاف، امانتداری و اخلاق در کسبوکار
۹	۰/۳۷۴	۱/۰۸۵	۲/۹۰	کسب پایگاه اجتماعی مناسب
۱۰	۰/۳۸۴	۱/۰۶۵	۲/۶۷	افزایش میل به کسب ثروت و درآمد بالاتر
۱۱	۰/۳۹۲	۱/۱۱۶	۲/۸۴	افزایش علاقه به راهاندازی کسبوکار جدید
۱۲	۰/۳۹۴	۱/۰۷۰	۲/۷۱	افزایش روحیه تیمی و انجام کار گروهی
۱۳	۰/۳۹۹	۱/۰۷۴	۲/۶۹	شناسایی مکان و امکانات فیزیکی مناسب کسبوکار
۱۴	۰/۴۱۴	۱/۰۴۴	۲/۵۲	افزایش حس استقلال‌طلبی و آفای خود بودن
۱۵	۰/۴۳۳	۱/۱۴۵	۲/۶۴	یادگیری فرایند قانونی راهاندازی کسبوکار و کسب مجوزها
۱۶	۰/۴۳۸	۱/۰۳۴	۲/۳۶	تولید و عرضه محصولات جدید
۱۷	۰/۴۴۱	۰/۹۸۹	۲/۲۴	کسب مهارت‌های رهبری و مدیریت
۱۸	۰/۴۴۵	۱/۱۰۶	۲/۴۸	فراگیری ایده و خلاقیت در راهاندازی کسبوکار
۱۹	۰/۴۵۱	۱/۰۳۰	۲/۲۸	شناخت فرصت‌های جدید در بازار
۲۰	۰/۴۷۰	۱/۰۲۵	۲/۱۸	شناسایی مؤسسات و سازمان‌های حمایت‌کننده کسبوکار
۲۱	۰/۴۷۱	۰/۹۴۳	۲	یادگیری تحلیل مالی و توجیه اقتصادی کسبوکار
۲۲	۰/۴۹۵	۰/۹۹۵	۲/۰۱	افزایش خطرپذیری و شناسایی خطرهای کار
۲۳	۰/۵۵۲	۱	۱/۸۱	مهارت‌های بازاریابی و شناخت مسائل بازار
۲۴	۰/۵۶۱	۱/۰۳۴	۱/۸۴	چگونگی تدوین طرح کسبوکار
۲۵	۰/۵۶۹	۰/۹۹۷	۱/۷۵	آشنایی با روش‌های تأمین سرمایه و اعتبارات شروع کسبوکار
۲۶	۰/۵۶۹	۰/۹۹۷	۱/۷۵	یادگیری مسائل بیمه و مالیات
۲۷	۰/۶۳۱	۱/۲۱۳	۱/۹۲	توانایی کار با رایانه، فکس و اینترنت

۳.۴. نتایج تحلیل عاملی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر خوداشتغالی کارآموزان

در این تحقیق هدف از کاربرد تحلیل عاملی، کاهش داده‌ها و شناخت ابعاد و مؤلفه‌های چگونگی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر خوداشتغالی کارآموزان و تعیین مقدار واریانس تبیین‌شده در هر کدام از عامل‌های دسته‌بندی‌شده معنادار بود؛ بنابراین، در تحقیق حاضر از تحلیل عاملی از نوع اکتشافی استفاده شد؛ البته علاوه بر شناخت ابعاد و مؤلفه‌های پنهان اثرگذار، هدف دیگر از کاربرد تحلیل عاملی، استفاده از نمرات به‌دست‌آمده از این تحلیل به‌عنوان مقادیر هر مؤلفه برای وارد شدن در مدل رگرسیون لوجیستیک بود. با توجه به ردیف آخر جدول (۳) مشاهده می‌شود مقدار KMO برابر با ۰/۸۹۸ است و مقدار بار تلت ۴۲۷۷/۵۹ است که در سطح معناداری

۰/۰۱ قرار دارد. این نتایج حاکی از مناسب بودن همبستگی متغیرهای واردشده برای تحلیل عاملی است. وضعیت قرارگیری متغیرها در عوامل با فرض واقع‌شدن متغیرهای با بار عامل بزرگ‌تر از ۰/۵ بعد از چرخش عامل‌ها به روش وریماکس و نام‌گذاری عامل‌ها به شرح جدول (۳) است. مشاهده می‌شود چهار عامل استخراج گردید که در مجموع ۶۹/۳۵۸٪ از کل واریانس را تبیین می‌کنند. عامل اول با عنوان کسب «مهارت‌های فنی و عملی کسبوکار» با مقدار ویژه ۵/۷۵۹ به-تهایی تبیین‌کننده ۲۳/۹۹۴٪ از واریانس کل است. این عمل بیانگر این است که بیشترین تأثیر آموزش فنی و حرفه‌ای در ایجاد مهارت‌های عملی و فنی است. عامل‌های دوم با عنوان «ایجاد روحیه کارآفرینی» که باعث افزایش تمایل کارآموزان به راهاندازی کسبوکار می‌شود، ۱۹/۳۳۴٪ از واریانس را

کنند. لازم است یادآوری شود بار عاملی گویه‌های (۱) افزایش توانایی کار با رایانه، فکس و اینترنت، (۲) یادگیری مسائل بیمه و مالیات، (۳) آشنایی با روش‌های تأمین سرمایه و اعتبارات شروع کسب‌وکار، در هیچ کدام از عامل‌ها معنا دار نشد و بنابراین، در ماتریس چرخش یافته نهایی لحاظ نشدند.

تیبیین می‌کنند. عامل سوم با عنوان «انگیزه‌زایی برای خوداشتغالی» که می‌تواند در افزایش انگیزه کارآموزان نسبت به راه‌اندازی کسب‌وکار مؤثر باشد نیز ۱۳/۷۸۵٪ از واریانس را تیبیین می‌کند. در نهایت، عامل چهارم با عنوان «مهارت‌های عمومی و اجتماعی کسب‌وکار» است که می‌تواند از جمله تأثیرهای جانبی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در راه‌اندازی و اداره کسب‌وکار باشد نیز ۱۲/۲۴۵٪ از کل واریانس را تیبیین می‌کند.

جدول ۳. مقادیر ویژه، درصد واریانس و متغیرهای هر یک از عوامل و بار عاملی آنها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

متغیرها	مهارت‌های فنی و عملی کسب‌وکار	ایجاد روحیه کارآفرینی	انگیزه‌زایی برای خوداشتغالی	مهارت‌های عمومی و اجتماعی کسب‌وکار
کسب آموزش‌های فنی و تخصصی کسب‌وکار مربوطه	۰/۹۲۱			
به‌دست‌آوردن تجارب کاری و عملی در زمینه مربوطه	۰/۸۴۹			
شناسایی مکان و امکانات فیزیکی مناسب کسب‌وکار	۰/۹۱۵			
یادگیری تحلیل مالی و توجیه اقتصادی کسب‌وکار	۰/۷۲۸			
مهارت‌های بازاریابی و شناخت مسائل بازار	۰/۷۴۰			
تولید و عرضه محصولات جدید	۰/۸۱۹			
چگونگی تدوین طرح کسب‌وکار	۰/۷۲۲			
یادگیری فرایند قانونی راه‌اندازی کسب‌وکار و کسب مجوزها	۰/۸۱۷			
افزایش خطرپذیری و شناسایی خطرهای کار	۰/۷۸۵			
افزایش حس استقلال طلبی و آقای خود بودن	۰/۵۹۱			
افزایش اعتماد به نفس در کار	۰/۸۳۹			
افزایش علاقه به موفقیت و پیشرفت در کسب‌وکار	۰/۸۲۸			
افزایش روحیه تیمی و انجام کار گروهی	۰/۷۷۹			
افزایش علاقه به راه‌اندازی کسب‌وکار جدید	۰/۷۵۶			
افزایش میل به کسب ثروت و درآمد بالاتر	۰/۷۵۲			
شناخت فرصت‌های جدید در بازار	۰/۸۰۳			
فراگیری ایده و خلاقیت در راه‌اندازی کسب‌وکار	۰/۷۶۱			
افزایش نگرش مثبت به کار و تلاش	۰/۶۱۷			
کسب پایگاه اجتماعی مناسب	۰/۷۸۹			
شناسایی مؤسسات و سازمان‌های حمایت‌کننده کسب‌وکار	۰/۵۸۳			
یادگیری صداقت، انصاف، امانتداری و اخلاق در کسب‌وکار	۰/۸۱۵			
کسب مهارت‌های مذاکره و تعامل با مشتریان	۰/۸۶۸			
کسب مهارت‌های رهبری و مدیریت	۰/۷۲۱			
کسب مهارت‌های اجتماعی و روابط با دیگران	۰/۷۷۵			
مقدار ویژه	۵/۷۵۹	۴/۴۴۰	۳/۳۰۸	۲/۹۳۹
درصد واریانس	۲۳/۹۹۴	۱۹/۳۳۴	۱۲/۷۸۵	۱۲/۲۴۵
درصد تجمعی واریانس	۲۳/۹۹۴	۴۳/۳۲۸	۵۷/۱۱۳	۶۹/۳۵۸

KMO: ۰/۸۹۸

Bartlett test: ۴۲۷۷/۵۹۵

Sig: ۰/۰۰۰

۳.۵. تحلیل رگرسیون لجستیک

در این پژوهش، راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل (خوداشتغالی) و راه‌اندازی نکردن کسب‌وکار بعد از شرکت در دوره‌های آموزش فنی‌وحرفه‌ای، به‌عنوان متغیر وابسته دو وجهی در تحلیل رگرسیون لجستیک به‌کار رفته‌اند. متغیرهای مستقل نیز به دو دسته تقسیم شده‌اند: الف. متغیرهای اجتماعی و اقتصادی؛ شامل: سن (سال)، تحصیلات (برحسب سال‌های تحصیل)، جنسیت (۱ برای مردان و ۰ درغیراین‌صورت)، وضعیت تأهل (۱ برای افراد متأهل و ۰ درغیراین‌صورت)، گرفتن وام (۱ برای گرفتن وام و ۰ درغیراین‌صورت)، داشتن کسب‌وکار خصوصی اعضای خانواده یا خوداشتغالی اعضای خانوار (۱ برای خوداشتغالی اعضای خانواده و ۰ درغیراین‌صورت)، تجربه کار قبلی قبل از آموزش فنی‌وحرفه‌ای (۱ برای پاسخ داشتن تجربه کار قبلی و ۰ درغیراین‌صورت) و قصد راه‌اندازی کسب‌وکار قبل از شرکت در دوره آموزش فنی‌وحرفه‌ای (۱ برای داشتن قصد خوداشتغالی و ۰ درغیراین‌صورت)؛ ب. متغیرهای به‌دست‌آمده از تحلیل عاملی؛ شامل: «کسب مهارت‌های عملی کسب‌وکار»، «ایجاد روحیه کارآفرینی»، «انگیزه‌زایی برای خوداشتغالی»، «مهارت‌های عمومی و اجتماعی کسب‌وکار» هستند که نمره عاملی این متغیرها در تحلیل رگرسیونی لحاظ شده است. پس از وارد کردن همه متغیرها در تحلیل رگرسیون لجستیک، نتایج زیر به‌دست آمد که در جدول (۴) نشان داده شده است. ملاحظه می‌شود آماره لگاریتم درست‌نمایی کوچک است (طبق معیار نیکویی برازش برای خوبی برازش مدل این آماره باید تا حدود مناسبی کوچک باشد). همچنین، آماره ضریب تبیین کاکس و اسنل و نایجل کرک، بین ۰/۳۴۵ و ۰/۴۷۹ قرار دارد که نشان می‌دهد این دوازده متغیر از قدرت تبیین متوسطی درخصوص واریانس و تغییرات متغیر وابسته راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل برخوردار هستند. درواقع، این دوازده متغیر توانسته‌اند بین ۳۴/۵٪ تا ۴۷/۹٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. همچنین، می‌توان معنادار بودن ضرایب متغیرهای مستقل در رابطه رگرسیونی را از آزمون هاسمر و لم شو ($P\text{-value} < 0.01$) نتیجه گرفت. این نتایج

بیانگر این است که مدل تحقیق مناسب می‌باشد و از برازش لازم برخوردار است و متغیرهای مستقل قادر به پیش‌بینی نسبت بالایی از تغییرات متغیر وابسته (خوداشتغالی کارآموزان) هستند.

جدول ۴. تبیین مدل رگرسیون لجستیک

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

نام متغیر	ضریب B	آماره Wald	Sig	exp (β)
جنسیت	۰/۱۶۲	۰/۱۷۲	۰/۶۷۸	۱/۱۷۶
سن	۰/۱۴۲-	۰/۴۱۱	۰/۵۲۱	۰/۸۶۷
تحصیلات**	۱/۲۲۴	۲۸/۵۶۳	۰/۰۰۰	۳/۴۰۲
تأهل	۰/۰۴۰	۰/۰۱۰	۰/۹۱۹	۱/۰۴۱
خوداشتغالی اعضای خانوار	۰/۳۸۵	۱/۰۱۴	۰/۳۱۴	۱/۴۶۹
تجربه کار قبلی**	۱/۶۶۳	۱۸/۶۳۶	۰/۰۰۰	۵/۳۷۵
قصد خوداشتغالی*	۰/۷۸۳	۴/۳۳۵	۰/۰۳۷	۲/۱۸۸
گرفتن وام	۰/۱۹۴	۰/۲۵۷	۰/۶۱۲	۱/۲۱۴
مهارت‌های عملی کسب و کار*	۰/۵۹۸	۵/۳۳۵	۰/۰۲۱	۱/۸۱۹
روحیه کارآفرینی	۰/۰۹۸	۰/۱۷۲	۰/۶۷۹	۱/۱۰۳
انگیزه‌زایی برای خوداشتغالی*	۰/۱۱۴	۵/۱۸۰	۰/۰۲۳	۱/۱۲۰
مهارت‌های عمومی و اجتماعی	۰/۲۴۲	۰/۹۷۸	۰/۳۲۳	۱/۲۷۴
مقدار ثابت	-۱۴/۹۳۲	۳۲/۴۶۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
ضریب نایجل کرک: ۰/۴۷۹	ضریب کاکس و اسنل: ۰/۳۴۵	آماره لگاریتم درست‌نمایی: ۱۹۰/۸۲۹	آماره هاسمر و لم شو: ۳۷/۴۱۰	و معناداری: ۰/۰۰

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد در مدل رگرسیونی، متغیرهای تحصیلات، تجربه کار قبلی و قصد خوداشتغالی از بین متغیرهای اجتماعی و اقتصادی در سطح خطای ۰/۰۱ و ۰/۰۵، و متغیرهای «کسب مهارت‌های عملی کسب‌وکار» و «انگیزه‌زایی برای خوداشتغالی» از بین مؤلفه‌های مربوط به تأثیر آموزش فنی‌وحرفه‌ای در سطح خطای ۰/۰۵ با تأثیر مثبت معنادار شده‌اند؛ بنابراین، این متغیرها با احتمال خوداشتغالی کارآموزان رابطه مستقیم دارند؛ یعنی با افزایش و بهبود در هر کدام از این متغیرها، احتمال خوداشتغالی نیز افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین، براساس مدل ارائه‌شده می‌توان گفت احتمال راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل یا خوداشتغالی کارآموزان تابعی لجستیک از عوامل ذکر شده است که به صورت زیر قابل برآورد و محاسبه است:

$$P_i = \frac{\exp(-14.932 + 0.162 X_1 - 0.142 X_2 + 1.224 X_3 + 0.040 X_4 + 0.385 X_5 + 1.663 X_6 + 0.783 X_7 + 0.194 X_8 + 0.598 X_9 + 0.098 X_{10} + 0.114 X_{11} + 0.242 X_{12})}{1 + \exp(-14.932 + 0.162 X_1 - 0.142 X_2 + 1.224 X_3 + 0.040 X_4 + 0.385 X_5 + 1.663 X_6 + 0.783 X_7 + 0.194 X_8 + 0.598 X_9 + 0.098 X_{10} + 0.114 X_{11} + 0.242 X_{12})}$$

احتمال خوداشتغالی آن‌ها کمی بیشتر از ۱/۵ برابر یا به میزان ۸۱/۹٪ افزایش می‌یابد. علاوه بر این‌ها، هر چقدر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بتوانند باعث افزایش انگیزه خوداشتغالی در بین کارآموزان شوند، احتمال خوداشتغالی آن‌ها را نیز به میزان ۱۲٪ افزایش می‌دهند. مشاهده می‌شود تأثیر مؤلفه‌های درخواستی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بعد از متغیرهای اجتماعی و اقتصادی تحصیلات، داشتن تجربه کار قبلی و داشتن قصد خوداشتغالی است.

همچنین، با استفاده از جدول طبقه‌بندی و درصد تشخیص می‌توانیم قدرت مدل در تفکیک افراد در طبقات متغیر وابسته را تعیین کنیم (جدول ۵). در واقع، در رگرسیون لوجستیک ملاک صحت مدل را میزان دقت آن در دسته‌بندی اعضای نمونه می‌دانند و این معیاری دیگر برای برآزش مدل خواهد بود.

جدول ۵. توزیع فراوانی مشاهده شده و فراوانی پیش‌بینی شده به-

همراه درصد تشخیص نمونه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

درصد تشخیص	پیش‌بینی شده		واقعیت تشخیص	
	راه‌اندازی نکردن کسب‌وکار	راه‌اندازی کسب‌وکار	راه‌اندازی نکردن کسب‌وکار	راه‌اندازی کسب‌وکار
۸۷/۲	۱۹	۱۳۰	راه‌اندازی کسب‌وکار مشاهده شده	راه‌اندازی نکردن کسب‌وکار
۶۵/۳	۴۹	۲۶	راه‌اندازی نکردن کسب‌وکار	راه‌اندازی کسب‌وکار
۷۹/۹			درصد کل	

همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، مدل از ۱۴۹ پاسخ‌گو که به کسب‌وکار مستقل اقدام کرده بودند (۱۹+۱۳۰)۳۳، ۱۳۰ نفر را به درستی تشخیص داده است (آن‌ها را به‌عنوان خوداشتغال پیش‌بینی کرده است) و ۱۹ نفر را نادرست تشخیص داده و به‌عنوان خوداشتغال تشخیص داده است؛ بنابراین، در این گروه، درصد صحت تشخیص ۸۷/۲٪ است. میزان پیش‌بینی صحیح مدل برای گروه دوم؛ یعنی کسانی که موفق به راه‌اندازی کسب‌وکار نشده بودند نیز ۶۵/۳٪ است؛ یعنی از بین ۷۵ نفری که خوداشتغال نبودند، ۴۹ نفر را

نکته مهم در جدول بالا، تفسیر توان نمایی ضریب بتا یا $\exp(\beta)$ است^{۲۲}. در حقیقت، مقدار $\exp(\beta)$ در جدول بالا نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد در متغیر مستقل مربوطه (به شرط ثابت ماندن سایر عوامل مستقل)، متغیر وابسته (احتمال خوداشتغالی کارآموزان یا راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل) چند برابر افزایش پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، افزایش یک واحد در متغیر مستقل مربوط به آن، شانس راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل را e برابر می‌کند. در این تحقیق، تحصیلات متغیری است که بر احتمال خوداشتغالی کارآموزان تأثیر مثبت دارد؛ یعنی با افزایش سطح تحصیلات احتمال راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل توسط کارآموزان افزایش می‌یابد. نسبت بخت‌ها برای این متغیر برابر با ۳/۴۰۲ است که نشان می‌دهد با افزایش سطح تحصیلات کارآموزان شرکت کرده در دوره‌های فنی و حرفه‌ای، احتمال راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل به اندازه ۲/۴۰۲٪ افزایش می‌یابد. متغیر دیگری که تأثیر مثبتی بر احتمال خوداشتغالی کارآموزان دارد، داشتن تجربه کار قبلی است. بر اساس نتایج جدول، نسبت بخت‌ها برای این متغیر برابر با ۵/۲۷۵ است که نشان می‌دهد با افزایش تجربه کار قبلی احتمال خوداشتغالی کارآموزان به اندازه ۵/۲۷۵ یا کمی بیشتر از پنج برابر افزایش می‌یابد؛ یعنی ۴۲۷/۵٪. پس از این دو، داشتن قصد خوداشتغالی پیش از شرکت در دوره‌ها متغیر دیگری است که بر احتمال خوداشتغالی کارآموزان تأثیر معنا دار دارد. نسبت بخت‌های این متغیر برابر با ۲/۱۸۸ است که نشان می‌دهد با افزایش قصد خوداشتغالی کارآموزان احتمال راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل توسط کارآموزان پس از شرکت در دوره‌ها کمی بیشتر از دو برابر یا به میزان ۱۱۸/۸٪ افزایش می‌یابد. همچنین، از بین مؤلفه‌های مربوط به تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل نیز دو مؤلفه معنادار شده‌اند. نسبت بخت‌ها برای مؤلفه «کسب مهارت‌های عملی کسب‌وکار» برابر با ۱/۸۱۹ است که نشان‌دهنده این است که هر چقدر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بتوانند مهارت‌های عملی کسب‌وکار را در بین کارآموزان افزایش دهند،

به‌درستی تشخیص داده است و ۲۶ نفر را به‌اشتباه تشخیص داده است. در مجموع، معیار قدرت تشخیص مدل ۰/۷۹/۹ است و این رقم مناسبی است؛ بنابراین، می‌توان گفت با متغیرهای مستقل موجود، امکان پیش‌بینی راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل یا راه‌اندازی نکردن کسب‌وکار مستقل توسط کارآموزان تا حدود زیادی امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، به احتمال ۰/۷۹/۹ این متغیرها موقعیت راه‌اندازی کسب‌وکار یا راه‌اندازی نکردن کسب‌وکار یک کارآموز را به‌درستی پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، مدل قدرت بیشتری در تشخیص راه‌اندازی کسب‌وکار کارآموزان دارد تا راه‌اندازی نکردن کسب‌وکار در بین آن‌ها (۰/۸۷/۲ در مقابل ۰/۶۵/۳).

۴. نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داد بیشتر کارآموزان روستایی استان گلستان (۰/۶۶) متناسب با آموزش‌های فنی و حرفه‌ای خود موفق به راه‌اندازی کسب‌وکاری مستقل شده بودند که این نتیجه تأییدکننده مطالعات پیشین مبنی بر تأثیر کلی آموزش‌های مهارتی بر اشتغال است (ارفعی و فرج‌اله‌حسینی، ۱۳۷۸). افزون‌براین، بیشتر پاسخ‌گویان تأثیر دو عامل کلی «خویش‌فرمایی و کارکردن برای خود» و «کسب تجربه و مهارت در فنی و حرفه‌ای» برای راه‌اندازی کسب‌وکار را بسیار با اهمیت ارزیابی کردند. این نتیجه بیانگر تأثیر همزمان عامل فنی و حرفه‌ای و انگیزه‌های فردی است. همچنین، اغلب کسب‌وکارهای راه‌اندازی شده از نوع کسب‌وکارهای کوچک بدون استخدام نیروی کار (۰/۷۵/۳) و در بخش خدمات و کشاورزی بود. از دیدگاه پاسخ‌گویان، بیشترین میزان تأثیر آموزش فنی و حرفه‌ای در زمینه «کسب آموزش‌های فنی و تخصصی در کسب‌وکار مربوطه»، «افزایش اعتمادبه‌نفس در کار» و «به دست آوردن تجارب کاری و عملی» بوده است. همه این‌ها بیانگر مهارت‌آموزی عملی هستند که طبق اصول فنی و حرفه‌ای می‌باشند. به علاوه، افزایش مهارت‌ها منجر به اعتمادبه‌نفس در میان افراد شده و این خود منجر به افزایش انگیزه خوداشتغالی گردیده است؛ بنابراین، هرچند تأثیر آموزش‌ها مستقیماً بر بهبود مهارت پاسخ‌گویان بوده است، اما تأثیر غیرمستقیم آن بر جنبه‌های انگیزشی و نگرشی نیز محسوس

بوده است. نتایج تحلیل عاملی با هدف شناخت مؤلفه‌های پنهان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر خوداشتغالی کارآموزان، منجر به استخراج چهار عامل «کسب مهارت‌های فنی و عملی کسب‌وکار»، «ایجاد روحیه کارآفرینی»، «انگیزه‌زایی برای خوداشتغالی» و «مهارت‌های عمومی و اجتماعی کسب‌وکار» شد. همان‌طور که انتظار می‌رفت، تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر عامل «کسب مهارت‌های فنی و عملی کسب‌وکار» بیشتر بود. این نتایج شواهدی قوی در تأیید مطالعات پیشین در این زمینه را (پولادی و سلیمانی، ۱۳۹۰؛ کالورید و ایساکسن، ۲۰۰۶) فراهم کردند. تأثیر آموزش‌ها بر مؤلفه‌های غیرمهارتی مانند روحیه کارآفرینی، مهارت‌های اجتماعی کسب‌وکار و ایجاد انگیزه اغلب نادیده گرفته می‌شود. این‌ها در کنار مؤلفه‌های مهارتی و نیز دسترسی به امکانات نقش مهمی در تشویق افراد به راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل ایفا می‌کنند.

نتایج تحلیل رگرسیون لوجستیک برای پیش‌بینی احتمال راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل و راه‌اندازی نکردن کسب‌وکار مستقل بعد از شرکت در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای نشان داد که متغیرهای تحصیلات، داشتن تجربه کار قبلی و قصد خوداشتغالی از بین متغیرهای اجتماعی و اقتصادی در سطح خطای ۰/۰۱ و ۰/۰۵ و متغیرهای کسب مهارت‌های عملی کسب‌وکار و انگیزه خوداشتغالی از بین مؤلفه‌های مربوط به تأثیر آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار شده‌اند و متغیرهای تأهل، سن، خوداشتغالی اعضای خانوار، گرفتن وام، روحیه کارآفرینی و مهارت‌های عمومی و اجتماعی نیز معنادار نشده‌اند؛ یعنی با افزایش و بهبود هر کدام از این متغیرهای معنادار، احتمال خوداشتغالی کارآموزان نیز افزایش پیدا می‌کند. هرچند نتایج برخی از تحقیقات در زمینه مقایسه دو گروه کارآموزان و غیرکارآموزان به رابطه مستقیم راه‌اندازی کسب‌وکار با تحصیلات، داشتن تجربه کار قبلی، قصد خوداشتغالی و انگیزه خوداشتغالی اشاره کرده‌اند (کالورید و ایساکسن، ۲۰۰۶) که مشابه نتایج تحقیق حاضر است، اما در تحقیقات دیگر به معنادار بودن و وجود رابطه مستقیم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با متغیرهای سن، خوداشتغالی

اعضای خانوار (الگوی نقش) و روحیه کارآفرینی اشاره کرده‌اند (میرمحمدرضایی و همایونی، ۱۳۹۰) که در این تحقیق چنین روابط معناداری به دست نیامد. چنین نتایجی بیانگر این است که مهارت‌آموزی فنی و عمومی کسب‌وکار از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، علاوه بر تقویت انگیزه‌های خوداشتغالی و ایجاد روحیه کارآفرینی می‌تواند بر راه‌اندازی کسب‌وکاری مستقل تأثیرگذار باشد. به علاوه، بر تأثیر قوی مؤلفه‌های دیگر از قبیل داشتن تجربه و قصد خوداشتغالی و نیز تحصیلات عمومی بر خوداشتغالی افراد تأکید شده که کمتر به آن توجه گردیده است؛ بنابراین، ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به گروه‌های هدف اثربخشی این آموزش‌ها را بیشتر می‌کند و منجر به کارآفرینی بیشتر در نواحی روستایی می‌شود. در دیگر مطالعات نیز تأکید شده است که برخورداری از دانش عمومی و تخصصی شغلی، سازمان‌دهی کسب‌وکار را تسهیل می‌کند (بریس، ۱۹۸۶). این نتایج به‌ویژه برای افزایش اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌توانند به کار گرفته شوند. نیازسنجی‌های قبل از آموزش در خصوص داشتن تجربه پیشین و همچنین، قصد کارآفرینانه پاسخ‌گویان می‌تواند به شناخت گروه‌های هدف کمک کند و به ارائه آموزش‌های مرتبط با فرایند شروع کسب‌وکاری مستقل کمک کند. نکته مهم دیگر، شناخت انگیزه‌های و مهارت‌های قبلی افراد است که بر احتمال خوداشتغالی آن‌ها تأثیر مثبت داشت. شناخت مهارت‌های پیشین می‌تواند از تکرار آموزش جلوگیری کند و افراد را به سوی دوره‌های پیشرفته‌تر سوق دهد. افزون‌براین، نتایج نشان داد برخورداری از انگیزه کارآفرینانه نقش مهمی در شروع کسب‌وکاری مستقل دارد. این موضوع از این جهت دارای اهمیت است که برخی از کارآموزان با انگیزه‌هایی غیر از خوداشتغالی در دوره‌ها شرکت کردند؛ بنابراین، زمانی اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل افزایش می‌یابد که کارآموزان انگیزه لازم را در این خصوص دارا باشند که این موضوع نیز از طریق بررسی‌های قبل از شروع دوره حاصل می‌شود.

برای بالابردن تأثیر آموزش فنی و حرفه‌ای بر بالابردن ملزومات کسب‌وکار، این پیشنهادها ارائه می‌شود:

➤ به دلیل تأثیر سطح تحصیلات عمومی با احتمال خوداشتغالی پیشنهاد می‌شود برای اثربخشی بیشتر آموزش در راستای راه‌اندازی شغل، ارتباط بیشتر بین سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای و مراکز دانشگاهی برقرار شود و شرایطی فراهم گردد که علاوه بر آموزش‌های نظری و عمومی دانشگاهی، مهارت‌های فنی و عملی نیز همزمان برای متقاضیان ارائه شوند؛

➤ به دلیل انگیزه‌های مختلف کارآموزان از شرکت در دوره‌ها و نیز وجود دیدگاه‌های متفاوت در زمینه تأثیر آموزش فنی و حرفه‌ای بر راه‌اندازی کسب‌وکار مستقل، پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره و راهنمایی در نواحی روستایی ایجاد شوند که کارآفرینان را به صورتی هدفمند به یادگیری مهارت‌های موردنیاز سوق دهند. همچنین، پیشنهاد می‌شود اداره آموزش فنی و حرفه‌ای و مراکز تابعه آن، واحدهای مشاوره خود در نواحی روستایی را تقویت نمایند و قبل از شروع دوره آموزشی با توجه به ویژگی‌های عمومی و خاص کارآموزان آن‌ها را راهنمایی کنند و به دوره‌هایی منطبق با سوابق و سلاتقشان هدایت نمایند و در طول برگزاری دوره و پایان آن نیز به کارآموزان در زمینه اشتغال مرتبط با دوره‌شان کمک و راهنمایی کنند. چنین مراکزی می‌توانند شرایط دخیل در موفق نبودن کارآفرینان روستایی در کسب‌وکارشان را به حداقل برسانند؛

➤ با توجه به اینکه پاسخ‌گویان، تحلیل مالی و توجیه اقتصادی، خطرپذیری، بازاریابی، تدوین طرح کسب‌وکار، روش‌های تأمین سرمایه و اعتبارات و مسائل بیمه و مالیات را به عنوان ملزومات راه‌اندازی کسب‌وکار در روند آموزش خود ضعیف ارزیابی کردند، پیشنهاد می‌شود سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای این موارد را به استانداردهای آموزشی دوره‌های خود اضافه نماید یا اینکه کارآموزان در کنار دوره اصلی خود که آن را آموزش می‌بینند، یک دوره کارآفرینی شامل موارد و قوانین خوداشتغالی و کارآفرینی توأمان بگذرانند تا زمینه آشنایی بیشتر کارآموزان با این موارد فراهم شود؛

➤ با استناد به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود سازمان

10. Borjas آموزش فنی‌و حرفه‌ای، راهکار و برنامه مدونی را برای ایجاد پل
 11. Krueger ارتباطی با کارآموزان درپیش گیرد که این افراد بعد از پایان
 12. Nabi & Holden دوره آموزش فنی‌و حرفه‌ای خود و دریافت گواهینامه پایان
 13. Kolvereid and Isaksen دوره، برای بازآموزی یا گذراندن دوره‌های بالاتر و پیشرفته‌تر، با
 14. McClelland رغبت به مراکز آموزشی مراجعه کنند و به دانش و مهارت خود
 15. Reynolds, Storey, & Westhead بیفزایند.
 16. Robinson, Stimpson, Huefner, & Hunt
 17. Scherer, Brodzinski, & Wiebe
 18. Gosselin & Gris
 19. Chandler & Hanks

یادداشت‌ها

20. Von Graevenitz & Harhoff
 21. Hosmer-Lemeshow

۲۲. $\exp(B)$ نماد e است که e عدد معرف نپر یا عدد طبیعی

گفته می‌شود و مقدار آن تقریباً ۲/۷ است.

۲۳. اطلاعات یک نمونه به‌دلیل وجود مقادیر گمشده وارد تحلیل

نشود.

1. Audretsch, Thurik, Verheul, & Wennekers
 2. Mitra
 3. Mohapatra, Rozelle, & Goodhue
 4. Stathopoulou, Psaltopoulos, & Skuras
 5. Anthopoulou
 6. Patterson & Henderson
 7. Potter
 8. Van Lieshout
 9. Linan, Rodríguez-Cohar, & Rueda-Cantuche

کتابنامه

- . ارفعی، م. و فرج‌الحسینی، ج. (۱۳۷۸). بررسی نقش دوره‌های آموزش فنی‌و حرفه‌ای غیررسمی وزارت جهاد کشاورزی بر روی وضعیت اشتغال روستاییان آموزش دیده آذربایجان غربی. جهاد، ۲۴ (۲۸۰)، ۴۹-۳۲.
- . امامی، م. ر. و سادات‌سعیدی، م. (۱۳۸۴). نقش و اهمیت آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای در توسعه خوداشتغالی و کارآفرینی. کار و جامعه، ۷ (۸۲)-۸۱، ۴۰-۳۲.
- . پاپزن، ع.، خالدی، خ. و سلیمانی، ع. (۱۳۹۰). ارزش‌یابی آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای زنان روستایی در زمینه صنایع دستی. جامعه‌شناسی زنان، ۳ (۳)، ۳۷-۲۱.
- . پولادی ری‌شهری، ع. و سلیمانی، ا. (۱۳۹۰). بررسی نقش آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای در آمادگی کارآفرینی در دانش‌آموزان مراکز فنی‌و حرفه‌ای. مجموعه مقالات اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، ۷.
- . خداوردیان، م. ر. و طیوری، م. (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی دوره‌های آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای غیررسمی دامپزشکی. سومین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی، ۶.
- . خواجه‌شاهکوهی، ع.، قدیری‌معصوم، م.، مقصدلو، ی. و وطنی، ع. (۱۳۸۷). بررسی دیدگاه کارآموزان و کارفرمایان در زمینه تأثیر آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای بر صنعت کشاورزی در استان گلستان. علوم کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۵ (۳)، ۱۸-۹.
- . سلیمی‌فر، م. و مرتضوی، س. (۱۳۸۴). سرمایه انسانی و کارآفرینی در رویکرد فنی‌و حرفه‌ای (مورد مطالعاتی خراسان). دانش و توسعه، ۱۷ (۱)، ۸۷-۶۳.
- . شریفی، س.، علیزاده، ر.، یعقوبی‌ساردو، ر. و بهروز، ا. (۱۳۹۱). بررسی نقش آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای بر توسعه خوداشتغالی افراد و افزایش تولید در بخش کشاورزی؛ مطالعه موردی: شهرستان جیرفت. همایش راهکارهای ارتقای تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، ۲۰ آذرماه، بجنورد.
- . محبوبی، م. ر. و آبیاری، ن. م. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش‌های فنی‌و حرفه‌ای بر بهره‌وری نیروی کار صنایع کشاورزی (مطالعه موردی: استان گلستان). تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۰ (۳)، ۸۹-۸۱.
- . میرمحمدرضایی، ز. و همایونی، ب. (۱۳۹۰). بررسی سنجش میزان روحیه کارآفرینی و عوامل مؤثر بر آن در بین آموزش‌دیدگان دوره کارآفرینی در مقایسه با آموزش‌ندیدگان در بین کارآموزان اداره کل آموزش فنی‌و حرفه‌ای استان زنجان در سال ۱۳۸۹. کنفرانس ملی کارآفرینی، تعاون و جهاد اقتصادی، ۲۳.

11. Anthopoulou, T. (2010). Rural women in local agro food production: Between entrepreneurial initiatives and family strategies: A case study in Greece. *Journal of Rural Studies*, 26(4), 394-403.
12. Audretsch, D. B., Thurik, R., Verheul, I., & Wennekers, S. (2002). *Entrepreneurship: Determinants and policy in a European-U.S. comparison*. Boston: Kluwer Academic Publishers.
13. Borjas, G. (1986). The self-employment experience of immigrants. *Journal of Human Resources*, 8(21), 485-506.
14. Chandler, G., & Hanks, S. H. (1994). Market attractiveness, resource-based capabilities, venture strategies and venture performance. *Journal of Business Venturing*, 9(4), 331-349.
15. Gosselin, H. L., & Grisd, J. (1990). Are women owner-managers challenging our definitions of entrepreneurship? An in-depth survey. *Journal of Business Ethics*, 9(4-5), 423-433.
16. Kolvereid, L., & Isaksen, E. (2006). New business start-up and subsequent entry into self-employment. *Journal of Business Venturing*, 21(6), 866-885.
17. Krueger, N. F. (1993). The impact of prior entrepreneurial exposure on perceptions of new venture desirability and feasibility. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 18(1), 5-21.
18. Linan, F., Rodríguez-Cohard, J. C., & Rueda-Cantucho, J. M. (2011). Factors affecting entrepreneurial intention levels: A role for education. *International Entrepreneurship Management Journal*, 7(2), 195-218.
19. McClelland, D. C. (1961). *The achieving society*. New York: A Division of Macmillan Publishing Co.
20. Mitra, J. (2008). Towards an Analytical Framework for Policy Development, In J. Potter (Ed.), *Entrepreneurship and Higher Education* (pp. 17-44). Paris: OECD Publishing.
21. Mohapatra, S., Rozelle, S., & Goodhue, R. (2007). The rise of self-employment in rural china: Development or discrete? *World Development*, 35(1), 163-181.
22. Nabi, G., & Holden, R. (2008). Graduate entrepreneurship: Intentions, education and training. *Education and Training*, 50(7), 545-551.
23. Patterson, H., & Henderson, D. (2003). What is really different about rural and urban firms? Some evidence from Northern Ireland. *Journal of Rural Studies*, 19(4), 477-490.
24. Potter, J. (2008). *Entrepreneurship and higher education*. Paris: OECD-Local Economic and Employment Development (LEED).
25. Reynolds, P., Storey, D. J., & Westhead, P. (1994). Cross-national comparisons of the variation in new firm formation rates. *Regional Studies*, 28(4), 443-456.
26. Robinson, P. B., Stimpson, D. V., Huefner, J. C., & Hunt, H. K. (1991). An attitude approach to the prediction of entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 15(4), 13-30.
27. Scherer, R. F., Brodzinski, J. D., & Wiebe, F. A. (1991). Examining the relationship between personality and entrepreneurial career preferences. *Entrepreneurship and Regional Development*, 3(2), 195-206.
28. Stathopoulou, S., Psaltopoulos, D., & Skuras, D. (2004). Rural entrepreneurship in Europe: A research framework and agenda. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 10(9), 404-425.
29. Van Lieshout, H. (2008). *An actor-centered institutionalist approach to flexibility: The example of vocational education and training*. Centre for Applied Labor Market Research and Innovation: Hanze University Groningen.
30. Von Graevenitz, G. N., & Harhoff, D. W. (2010). The effects of entrepreneurship education. *Journal of Behavior & Organization*, 76(1), 90-112.

The Requirements of Starting up a Business in Rural Areas of Golestan Province and the Effect of Technical & Vocational Trainings on them

Gholamhossein Abdollahzadeh^{*1}- Peyman Kolagar²- Mohammad Reza Mahboobi³ - Ahmad Abedi Sarvestani⁴

1- Assistant prof., Agricultural Extension and Education, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran

2- MSc. Student in Rural Development, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran

3- Associate prof., Agricultural Extension and Education, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran

4-Assistant prof., Agricultural Extension and Education, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran

Received: 20 Nov 2013

Accepted: 27 Jan 2014

Abstract

Purpose: This research aimed to identify requirements of starting up a business in rural areas and the effect of technical and vocational training on providing these requirements which carried out as a case study in Golestan province.

Methodology: The research survey method based on a questionnaire was employed. The target population of this research contains 1482 rural trainees of technical and vocational organization in Golestan province during 2009-2011. Using Cochran formula, 225 trainees were selected and cluster sampling method was used.

Findings: The results of prioritizing of effects of technical and vocational trainings on business start-up in rural areas demonstrated that "achieving technical trainings of related business" and "increasing of self-confidence in business" were the most influencing factors. Factor analysis extracted four factors for effects of technical and vocational trainings on rural business start-up which named: "gaining technical and practical skills of business", "crating entrepreneurship ability", "and motivating self-employment" and "public and social skills of business"; that these factors explained 69.355 percent of variance. The results of Logistic Regression analysis showed that education, experience in former job, self-employment intention, gaining technical and practical skills of business, and motivating self-employment have positive effects on probability of students' self-employment.

Limitation/strategies: The difficulty of access to the graduated trainees was one of the main limitations of this study, which is suggested that a comprehensive archive of self-employment trend will be provided.

Practical implications: Initial need assessment of trainees, skills and motivation, creating link between trainees after graduation and finally providing legal and administrative process to start-up own-business is strongly recommended.

Originality/values: Prioritizing needs and requirements of self-employment in rural areas and introducing the effectiveness of technical and vocational trainings on self-employment.

Key words: Rural entrepreneurship, technical and vocational trainings, business start-up, business requirements, Golestan province.

How to cite this article:

Abdollahzadeh, Gh. H., Kolagar, P., Mahboobi, M. R., & Abedi Sarvestani, A. (2014). The requirements of business set up in rural areas of Golestan Province and the effect of technical & vocational trainings on them. *Journal of Research & Rural Planning*, 3(6), 103-116.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/28417>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495